

۴۷ - شما به سراغ او بروید و بگوئید: ما فرستاده‌های پروردگار توئیم، بنی اسرائیل را با ما بفرست، و آنها را شکنجه و آزار مکن، ما آیت‌روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده‌ایم و سلام و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند.

۴۸ - (به او بگوئید) به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی) را تکذیب کند و سرپیچی نماید.

تفسیر:

نخستین برخورد با فرعون جبار

اکنون که همه چیز روبراه شده، و تمام وسائل لازم در اختیار موسی قرار گرفته، او و برادرش هارون را هر دو با هم مخاطب ساخته می‌گوید: «تو و برادرت با آیات من که در اختیارتان گذارده‌ام بروید» (اذهانت و اخوک بایاتی).

آیاتی که هم شامل دو معجزه بزرگ موسی می‌شود، و هم سایر نشانه‌های پروردگار و تعلیمات و برنامه‌هایی که خود نیز بیانگر حقانیت دعوت او است، بخصوص اینکه این تعلیمات پر مغز به وسیله مردی که ظاهراً قسمت عمده عمرش را به چوپانی پرداخته اظهار می‌شود.

و برای تقویت روحیه آنها و تاکید بر تلاش و کوشش هر چه بیشتر، اضافه می‌کند «در ذکر و یاد من و اجرای فرمانهایم سستی به خرج ندهید» (و لا تنیا فی ذکری).

چرا که سستی و ترک قاطعیت تمام زحمات شما را بر باد خواهد داد، محکم بایستید و از هیچ حادثه‌ای نه‌راسید، و در برابر هیچ قدرتی، سست نشوید. بعد از آن، هدف اصلی این حرکت و نقطه‌ای را که باید به سوی آن جهت‌گیری شود، مشخص می‌سازد و می‌گوید «به سوی فرعون بروید، چرا که او طغیان کرده است» (اذهبا الی فرعون انه طغی).

عامل تمام بدبختیهای این سرزمین پهناور او است، و تا او اصلاح نشود هیچ کاری ساخته نیست، چرا که عامل پیشرفت یا عقب افتادگی، خوشبختی یا بدبختی

یک ملت، قبل از هر چیز، رهبران و سردمداران آن ملت است و لذا باید هدف‌گیری شما قبل از همه به سوی آنها باشد. درست است که هارون در آن موقع در آن بیابان حاضر نبود، و بطوری که مفسران گفته‌اند خداوند او را از این ماجرا آگاه ساخت و او به استقبال برادرش موسی برای انجام این ماموریت به بیرون مصر آمد، ولی به هر حال هیچ مانعی ندارد که دو نفر مخاطب قرار گیرند و ماموریت برای انجام کاری پیدا کنند، در حالی که تنها یکی حاضر باشد و در تعبیرات فارسی روزانه نیز از این نمونه بسیار داریم، مثل اینکه می‌گوئیم: «تو و برادرت که فردا از سفر می‌آید نزد من آئید».

سپس طرز برخورد مؤثر با فرعون را در آغاز کار به این شرح، بیان می‌فرماید برای اینکه بتوانید در او نفوذ کنید و اثر بگذارید «(با سخن نرم با او سخن بگوئید، شاید متذکر شود یا از خدا بترسد)» (فقولا له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی) فرق میان «(یتذکر)» و «(یخشی)» در اینجا این است که: اگر با سخن نرم و ملایم با او روبرو شوید و در عین حال مطالب را با صراحت و قاطعیت بیان کنید یک احتمال اینست که او دلائل منطقی شما را از دل بپذیرد و ایمان آورد احتمال دیگر اینکه لااقل از ترس مجازات الهی در دنیا یا آخرت و بر باد رفتن قدرتش، سر تسلیم فرود آورد و با شما مخالفت نکند. البته احتمال سومی نیز وجود دارد و آن اینکه نه متذکر شود و نه از خدا بترسد، بلکه راه مخالفت و مبارزه را پیش گیرد که با تعبیر «(لعل)» (شاید) به آن اشاره شده است. و در این صورت نسبت به او اتمام حجت شده است، و در هیچ حال اجرای این برنامه بی‌فایده نیست. بدون شک خداوند می‌دانست سرانجام کار او به کجا خواهد رسید ولی

تعبیرات فوق، درسی است برای موسی و هارون و همه رهبران راه‌الهی. اما با این حال موسی و هارون از این معنی نگران بودند که ممکن است این مرد قلندر و زورمند مستکبر که آوازه خشونت و سرسختی او همه جایی پخش شده بود قبل از آنکه موسی (علیه السلام) و هارون (علیه السلام) ابلاغ دعوت کنند، پیشدستی کرده، آنها را از بین ببرد، لذا «(عرضه داشتند پروردگارا! ما از این

می‌ترسیم که او قبل از آنکه به سخنان ماگوش فرا دهد، فرمان مجازات صادر کند و پیام تو به گوش او و اطرافیان‌ش نرسد، و یا بعد از شنیدن طغیانگری آغاز نماید» (قالا ربنا اننا نخاف ان یفرط علینا او ان یطغی).

«یفرط» از ماده «فرط» (بر وزن شرط) به معنی پیش افتادن است و به همین جهت به کسی که قبل از همه وارد آبگاه می‌شود، «فارط» می‌گویند در سخنان علی (علیه السلام) که در برابر قبرهای مردگان، پشت دروازه کوفه فرمود می‌خوانیم: انتم لنا فرط سابق: «شما پیشگامان این قافله بودید و قبل از ما به دیار آخرت شتافتید». به هر حال موسی و برادرش از دو چیز بیم داشتند، نخست آنکه فرعون قبل از آنکه سخنان‌شان را بشنود شدت عمل به خرج دهد، و یا بعد از شنیدن بلافاصله و بدون مطالعه دست به چنین اقدامی بزند و در هر دو حال ماموریت آنها به خطر بیفتد و ناتمام بماند. اما خداوند به آنها بطور قاطع «فرمود: شما هرگز نترسید، من خود باشما هستم می‌شنوم و می‌بینم» (قال لا تخافا انی معكما اسمع واری).

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱۰

بنابراین با وجود خداوند توانائی که همه جا با شما است و به همین دلیل همه چیز، همه سخن‌ها را می‌شنود، و همه چیز را می‌بیند و حامی و پشتیبان شما است، ترس و وحشت معنائی ندارد.

سپس دقیقاً چگونگی پیاده کردن دعوت‌شان را در حضور فرعون در پنج جمله کوتاه و قاطع و پرمحتوا برای آنها بیان می‌فرماید، که یکی مربوط به اصل ماموریت است و دیگری بیان محتوای ماموریت و سومی دلیل و سند و چهارمی تشویق پذیرندگان و سرانجام تهدید مخالفان. نخست می‌گوید: «شما به سراغ او بروید و به او بگوئید ما فرستادگان پروردگار توایم (فاتیاه فقولوا انا رسولا ربک).

جالب اینکه بجای پروردگار ما می‌گوید پروردگار تو، تا عواطف فرعون را متوجه این نکته سازند که او پروردگاری دارد و اینها نمایندگان پروردگار اویند، ضمناً بطور کنایه به او فهمانده باشند که ادعای ربوبیت از هیچکس صحیح نیست و مخصوص خدا است.

دیگر این‌که «بنی اسرائیل را همراه ما بفرست و آنها را اذیت و آزار مکن (فارسل معنا بنی اسرائیل و لا تعذبهم). درست است که دعوت موسی تنها برای نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان نبوده، بلکه به گواهی سایر آیات قرآن

به منظور نجات خود فرعون و فرعونیان از چنگال شرک و بت پرستی نیز بوده است، ولی اهمیت این موضوع و ارتباط منطقی آن با موسی سبب شده است که او مخصوصاً انگشت روی این مساله بگذارد چرا که استثمار و به بردگی کشیدن بنی اسرائیل با آن همه شکنجه و آزار مطلبی نبوده است که قابل توجیه باشد. سپس اشاره به دلیل و مدرک خود کرده می گوید به او بگوئید «ما نشانه ای

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱۱

از پروردگارت برای تو آورده ایم» (قد جئناک بایة من ربک). ما بیهوده سخن نمی گوئیم و بیدلیل حرفی نمی زنیم، بنابراین به حکم عقل لازم است لااقل در سخنان ما بیندیشی و اگر درست بود بپذیری. سپس به عنوان تشویق مؤمنان اضافه می کنند «درود بر آنها که از هدایت پیروی می کنند» (و السلام علی من اتبع الهدی). این جمله ممکن است به معنی دیگری نیز اشاره باشد و آن اینکه سلامت در این جهان و جهان دیگر از ناراحتیها و رنجها و عذابهای دردناک الهی، و مشکلات زندگی فردی و اجتماعی از آن کسانی است که از هدایت الهی پیروی کنند و این در حقیقت نتیجه نهائی دعوت موسی است. سرانجام عاقبت شوم سرپیچی از این دعوت را نیز به او بفهمانید و بگوئید «به ما وحی شده است که عذاب الهی دامن کسانی را که تکذیب آیاتش کرده و از فرمانش سرپیچی نمایند خواهد گرفت!» (اناقد اوحی الینا ان العذاب علی من کذب و تولی).

ممکن است توهم شود که ذکر این جمله با گفتار ملایمی که به آن مامور بودند تناسب ندارد، ولی این اشتباه است، چه مانعی دارد که یک طبیب دلسوز با لحن ملایم به بیمارش بگوید، هر کس از این دارو استفاده کند نجات می یابد و هر کس نکند مرگ دامنش را خواهد گرفت. این بیان نتیجه برخورد نامناسب به یک واقعیت است و تهدید خاص و برخورد خصوصی و شدت عمل در آن وجود ندارد، و به تعبیر دیگر این واقعیتی است که باید بی پرده به فرعون گفته می شد.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱۲

نکته‌ها:

۱ - قدرت‌نمائی عجیب خدا

در طول تاریخ بسیار دیده‌ایم افرادی قلدر و زورمند به مبارزه در برابر قدرت حق برخاسته‌اند، ولی جالب اینکه در هیچ مورد خداوند لشکریان زمین و آسمان را برای کوبیدن آنها بسیج نمی‌کند، بلکه آنچنان ساده و آسان، آنها را مغلوب می‌کند که هیچکس تصور آن را هم نمی‌کرد. مخصوصاً بسیار می‌شود که خود آنها را دنبال وسائل مرگشان می‌فرستد و مأموریت اعدامشان را به خودشان می‌سپارد!

در همین داستان فرعون می‌بینیم دشمن اصلی او یعنی موسی را در دامان خود او پرورش می‌دهد، و در حوزه حفاظت او وارد می‌سازد! و جالبتر اینکه طبق نقل تواریخ، قابله موسی از قبطیان بود، نجاری که صندوق نجات او را ساخت نیز یک قبطی بود، گیرندگان صندوق از آب مأموران فرعون بودند، و گشاینده صندوق، شخص همسر او بود، به وسیله دستگاه فرعون از مادر موسی (علیه السلام) دعوت به عنوان دایه شیر دهنده شد، و تعقیب موسی بعد از ماجرای قتل مرد قبطی، از ناحیه فرعونیان، سبب هجرت او به مدین و گذراندن یک دوره آموزش و تربیت کامل در مکتب شعیب پیغمبر گشت. آری هنگامی که خدا می‌خواهد قدرت خود را نشان دهد، این چنین می‌کند تا همه گردنکشان بدانند کوچکتر از آن هستند که در برابر اراده و مشیتش عرض اندام کنند.

۲ - برخورد ملایم و محبت‌آمیز با دشمنان

برای نفوذ در قلوب مردم (هر چند افراد گمراه و بسیار آلوده باشند) نخستین دستور قرآن برخورد ملایم و تواءم با مهر و عواطف انسانی است، و توسل به خشونت

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱۳

مربوط به مراحل بعد است که برخوردهای دوستانه اثر نگذارد. هدف آنست که مردم جذب شوند، متذکر شوند و راه را پیدا کنند یا از عواقب شوم کار بد خود بترسند (لعله یتذکر او یخشی). هر مکتبی باید جاذبه داشته باشد، و بی‌دلیل، افراد را از خود دفع نکند سرگذشت پیامبران و ائمه دین (علیهم‌السلام) بخوبی نشان می‌دهد که آنها هرگز از این برنامه در تمام طول عمرشان انحراف پیدا نکردند.

آری ممکن است، هیچ برنامه محبت آمیزی در دل سیاه بعضی اثرنگذارد، و راه منحصراتوسل به خشونت باشد، آن در جای خود صحیح است، اما نه به عنوان یک اصل کلی و برای آغاز کار، برنامه نخستین محبت است و ملائمت، و این همان درسی است که آیات فوق به روشنی به ما می گوید. جالب اینکه در بعضی از روایات می خوانیم: حتی موسی مامور بود، فرعون را با بهترین نامش صدا کند، شاید در دل تاریک او اثر بگذارد.

۳ - آیا وحی به غیر پیامبران می شود؟

بی شک وحی در قرآن مجید معانی گوناگونی دارد. گاهی به معنی صدای آهسته، یا چیزی را آهسته گفتن آمده، (این معنی اصلی آن در لغت عرب است). گاهی به معنی اشاره رمزی به چیزی می باشد مانند فاوحی الیهم ان سبحوا بکرة و عشیا: «زکریا که زبانش در آن ساعت از کار افتاده بود با اشاره به بنی اسرائیل گفت خدا را صبح و عصر تسبیح کنید» - (مریم - ۱۱). و گاه به معنی الهام غریزی است مانند اوحی ربک الی النحل: «خداوند به زنبور عسل الهام غریزی کرد» (نحل - ۶۸). گاه به معنی فرمان تکوینی است، فرمانی که با زبان آفرینش داده می شود

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱۴

مانند: یومئذ تحدث اخبارها بان ربک اوحی لها: «در قیامت زمین خبرهای خود را بازگو می کند چرا که پروردگارت به او وحی کرده است» (زلزال - ۵).

و گاه به معنی الهام می آید، الهامی که به قلب افراد با ایمان می فرستد هر چند پیامبر و امام نباشد، مانند: اذ اوحینا الی امک ما یوحی: «ما به مادر تو ای موسی آنچه باید وحی کنیم کردیم» (طه - ۳۸). اما یکی از مهمترین موارد استعمال آن در قرآن مجید پیامهای الهی است که مخصوص پیامبران است، مانند انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النبیین من بعده: «ما به تو وحی فرستادیم همانگونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم» (نساء - ۱۶۳).

بنابراین کلمه وحی، مفهوم وسیع و جامعی دارد که همه این موارد را شامل می شود و به این ترتیب تعجب نخواهیم کرد اگر در آیات فوق، کلمه وحی در مورد مادر موسی به کار رفته است.

۴ - پاسخ به یک سؤال

ممکن است برای بعضی با مطالعه آیات فوق، این سؤال پیدا شود که چرا موسی (علیه السلام) با آن وعده‌های الهی باز هم دچار نگرانی و تردید و دلهره می‌شود؟ تا آنجا که خداوند به او صریحا می‌گوید، بروید من همه جا با شما هستم، همه سخنان را می‌شنوم، و همه چیز را می‌بینم، و هیچ جای نگرانی نیست.

پاسخ این سؤال از اینجا روشن می‌شود که این مأموریت براستی مأموریت بسیار سنگینی بود، موسی که ظاهرا یک چوپان است، می‌خواهد تنها با برادرش به جنگ مرد قلدر و زورمند و سرکشی برود که بزرگترین قدرتهای آن زمان در اختیار او بوده است، و تازه مأموریت دارد اولین دعوت را از خود فرعون

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱۵

شروع کند، نه اینکه نخست به سراغ دیگران برود و لشگر و یار و یاور فراهم آورد، بلکه باید نخستین جرعه را بر قلب فرعون بزند، این براستی مأموریت بسیار پیچیده و فوق العاده مشکلی بوده است، بعلاوه مامی دانیم که علم و آگاهی مراتبی دارد، بسیار می‌شود انسان چیزی را یقینا می‌داند، اما مایل است به مرحله علم یقین و اطمینان عینی برسد، همانگونه که ابراهیم با ایمان قاطعش نسبت به معاد از خدا تقاضا کرد صحنه‌ای از زنده شدن مردگان را در این جهان با چشم خود ببیند تا اطمینان خاطر بیشتری پیدا کند.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱۶

آیه ۴۹ - ۵۵

آیه و ترجمه

۴۹- قال فمّن ربکما یموسی

۵۰ قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم ھدی

۵۱ قال فما بال القرون الاولی

۵۲ قال علمھا عند ربی فی کتب لا یضل ربی و لا ینسی

۵۳ الذی جعل لکم الارض مھدا و سلک لکم فیھا سبلا و انزل من السماء ماء

فاخرجنا به ازوجا من نبات شتی

۵۴ کلوا و ارعوا انعمکم ان فی ذلک لایت لاولی النهی

ترجمہ :

- ۴۹ - (فرعون) گفت پروردگار شما کیست، ای موسی؟!
۵۰ - گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بود داده، سپس رهبریش کرده است.
۵۱ - گفت: پس تکلیف پیشینیان ما چه خواهد شد؟
۵۲ - گفت: آگاهی مربوط به آنها نزد پروردگار من در کتابی ثبت است پروردگار من هرگز گمراه نمی‌شود و فراموش نمی‌کند.
۵۳ - همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد، و راههایی در آن ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد که به وسیله آن انواع گوناگون گیاهان مختلف را (از خاک تیره) برآوردیم.
۵۴ - هم خودتان بخورید و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید که در این نشانه‌های روشنی است برای صاحبان عقل.
۵۵ - ما شما را از آن (خاک) آفریدیم و در آن باز میگردانیم و از آن نیز باردیگر شما را بیرون می‌آوریم.

تفسیر:

پروردگار شما کیست؟!

در اینجا قرآن مجید، همانگونه که شیوه آنست، مطالبی را که به کمک بحثهای آینده می‌توان از این داستان فهمید، حذف کرد، مستقیماً به سراغ گفتگوهای موسی و هارون با فرعون می‌رود.
در واقع مطلب چنین است:

موسی بعد از گرفتن فرمان رسالت و یک دستور العمل کامل و جامع و همه جانبه در باره چگونگی برخورد با فرعون از آن سرزمین مقدس حرکت می‌کند، و با برادرش هارون - به گفته مورخان - در نزدیکی مصر همراه می‌شود، و هر دو به سراغ فرعون می‌آیند، و با مشکلات زیادی می‌توانند به درون کاخ افسانه‌ای فرعون که افراد کمی به آن راه داشتند، راه پیدا کنند.

هنگامی که موسی در برابر فرعون قرار گرفت، جمله‌های حساب شده و مؤثری را که خداوند به هنگام فرمان رسالت به او آموخته بود بازگویی کند: ما فرستادگان پروردگار توئیم. بنی اسرائیل را با ما بفرست و آنها را شکنجه و آزار مکن. ما دلیل و معجزه روشنی با خود از سوی پروردگارت آورده‌ایم. سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند. و این را نیز بدان که به ما وحی شده است که عذاب در انتظار کسانی است که تکذیب کنند و از فرمان خدا روی بگردانند! هنگامی که فرعون این سخنان را شنید نخستین عکس العملش این بود گفت: «بگوئید ببینم پروردگار شما کیست ای موسی؟» (قال فمّن ربکم یا موسی).

عجیب اینکه فرعون مغرور و از خود راضی حتی حاضر نشد بگوید پروردگار من که شما مدعی هستید کیست؟ بلکه گفت: پروردگار شما کیست؟ موسی بلافاصله معرفی بسیار جامع و در عین حال کوتاهی از پروردگار کرد: «گفت: پروردگار ما همان کس است که به هر موجودی آنچه لازم آفرینش او بوده است داده، و سپس او را در مراحل هستی رهبری و هدایت فرموده است» (قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی). در این سخن کوتاه، موسی اشاره به دو اصل اساسی از آفرینش و هستی می‌کند که هر یک دلیل مستقل و روشنی برای شناسائی پروردگار است: نخست اینکه خداوند به هر موجودی آنچه نیاز داشته بخشیده است، این همان مطلبی است که در باره آن می‌توان کتابها نوشت، بلکه کتابها نوشته‌اند. اگر ما اندکی در باره گیاهان و جاندارانی که در هر منطقه‌ای زندگی

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱۹

می‌کنند، اعم از پرندگان، حیوانات دریائی، حشرات، خزندگان دقت کنیم خواهیم دید که هر کدام هماهنگی کامل با محیط خود دارند و آنچه مورد نیازشان است در اختیارشان می‌باشد. ساختمان پرندگان آنچنان است که از نظر شکل و وزن و حواس مختلف آنها را برای پرواز آماده می‌کند، و ساختمان جانوران اعماق دریاها نیز همین گونه است. و مسلماً بحث از آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

مساله دوم: مساله هدايت و رهبري موجودات است كه قرآن آن را با كلمه ثم در درجه بعد از تامين نيازمنديها قرار داده است.

ممکن است کسی یا چیزی وسائل حیاتی را در اختیار داشته باشد اما طرز استفاده از آن را نداند، مهم آنست که به طرز کاربرد آنها آشنا باشد، و این همان چیزی است که ما در موجودات مختلف به خوبی می بینیم که چگونه هر کدام از آنها نیروهایشان را دقیقاً در مسیر ادامه حیاتشان به کار می گیرند، چگونه لانه می سازند، تولید مثل می کنند، فرزندان خود را پرورش می دهند، و از دسترس دشمنان مخفی می شوند، و یا به مبارزه با دشمن بر می خیزند. انسانها نیز دارای این هدایت تکوینی هستند، ولی از آنجا که انسان موجودی است دارای عقل و شعور، خداوند هدایت تکوینیش را با هدایت تشریعی او به وسیله پیامبران همراه و همگام کرده است که اگر از آن مسیر منحرف نشود مسلماً به مقصد خواهد رسید.

به تعبیر دیگر انسان به خاطر داشتن عقل و اختیار، وظائف و مسئولیتهای و به دنبال آن برنامه های تکاملی دارد که حیوانات ندارند و به همین دلیل علاوه بر هدایت های تکوینی نیاز به هدایت تشریعی نیز دارد.

خلاصه اینکه: موسی (علیه السلام) می خواهد به فرعون بفهماند که این عالم هستی نه منحصر به تو است و نه منحصر به سرزمین مصر است، نه مخصوص امروز است

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۲۰

و نه گذشته، این عالم پهناور گذشته و آینده ای دارد که نه من در آن بوده ام و نه تو و دو مساله اساسی در این عالم چشمگیر است، تامين نيازمنديها و سپس به کار گرفتن نیروها و امکانات در مسیر پیشرفت موجودات، اینها به خوبی می تواند تو را به پروردگار ما آشنا سازد و هر چه بیشتر در این زمینه بیندیشی دلائل بیشتری از عظمت و قدرت او خواهی یافت.

فرعون با شنیدن این جواب جامع و جالب، سؤال دیگری مطرح کرد، «گفت: اگر چنین است، پس تکلیف پیشینیان ما چه خواهد شد؟» (قال فما بال القرون الاولى).

در اینکه منظور فرعون از این جمله چه بوده است؟ مفسران نظرات گوناگونی اظهار داشته اند:

۱ - بعضی گفته اند: چون موسی در آخرین جمله خود، مخالفان توحید را

مشمول عذاب الهی دانست، فرعون سؤال کرد پس چرا آن همه اقوام مشرکی که در گذشته بوده‌اند به چنان عذابی مبتلا نشده‌اند؟! ۲ - بعضی گفته‌اند، چون موسی، خداوند عالم را رب و معبود همگان معرفی کرد، فرعون سؤال کرد پس چرا نیاکان ما و این همه اقوام گذشته، مشرک بودند این نشان می‌دهد که شرک و بت پرستی کار نادرستی نیست! ۳ - بعضی دیگر گفته‌اند: چون مفهوم سخن موسی این بود که سرانجام همه به نتیجه اعمال خود می‌رسند و آنها که از فرمان الهی سرپیچی کرده‌اند مجازات خواهند شد، فرعون پرسید پس تکلیف اینها که فانی شدند و دیگر بازگشتی به این زندگی ندارند چه خواهد شد؟ به هر حال موسی در جواب گفت: تمام مشخصات اقوام گذشته، نزد پروردگار من در کتابی ثبت است، هیچگاه پروردگار من برای حفظ آنها همراه

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۲۱

نمی‌شود و نه فراموش می‌کند (قال علمها عند ربی فی کتاب لا یضل ربی و لا ینسی). بنابراین حساب و کتاب آنها محفوظ است، و سرانجام به پاداش و کیفر اعمالشان خواهند رسید، نگهدارنده این حساب، خدائی است که نه اشتباه در کار او وجود دارد و نه فراموشی، و با توجه به آنچه موسی (علیه السلام) در اصل توحید و معرفی خدا بیان کرد کاملاً روشن است که نگهداشتن این حساب برای آنکس که به هر موجودی، دقیقاً نیازمندیهایش را داده و سپس آن را هدایت می‌کند کار مشکلی نخواهد بود. در تفاوت مفهوم جمله «لا یضل» با جمله «لا ینسی» مفسران بیانات گوناگونی دارند، ولی ظاهر این است که «لا یضل»، اشاره به نفی هر گونه اشتباه از پروردگار است، و «لا ینسی» اشاره به نفی نسیان، یعنی نه در آغاز کار در حساب افراد اشتباه می‌کند، و نه در نگهداری حسابشان گرفتار نسیان می‌گردد و به این ترتیب موسی ضمناً احاطه علمی پروردگار را به همه چیز خاطر نشان می‌کند تا فرعون متوجه این واقعیت بشود که سر سوزنی از اعمال او از دیدگاه علم خدامکتوم و بی‌پاداش و کیفر نخواهد بود. در حقیقت این احاطه علمی خداوند نتیجه سخنی است که موسی (علیه السلام) قبلاً گفت و آن اینکه: خداوندی که به هر موجودی نیازمندیش

را داده و او را هدایت می‌کند، از حال همه کس و همه چیز آگاه است.
و از آنجا که بخشی از سخن موسی (علیه السلام) پیرامون مساله توحید و شناسائی

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۲۲

خدا بود قرآن در اینجا فصل دیگری در همین زمینه بیان می‌دارد: «همان خداوندی که زمین را برای شما مهد آسایش قرار داد، و راههائی در آن ایجاد کرد، و از آسمان، آبی فرستاد» (الذی جعل لکم الارض مهذا و سلک لکم فیها سبلا و انزل من السماء ماء).

«ما به وسیله این آب، انواع گوناگون از گیاهان مختلف را از خاک تیره برآوردیم (فاخرجنا به از واجا من نبات شتی).

در مجموع این آیه به چهار بخش از نعمتهای بزرگ خدا اشاره شده است:
۱ - زمین که مهد آرامش و آسایش انسان است و به برکت قانون جاذبه و همچنین قشر عظیم هوائی که اطراف آن را گرفته انسان می‌تواند به راحتی و امن و امان روی آن زندگی کند.

۲ - راهها و جادههائی که خداوند در زمین به وجود آورده است که تمام مناطق آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد، همانگونه که غالبا دیده‌ایم در میان سلسله جبال سر به آسمان کشیده، غالبا درهها و راههائی وجود دارد، که انسان می‌تواند از آنها عبور کرده، به مقصد خود برسد.

۳ - آبی که مایه حیات است و سرچشمه همه برکات از آسمان نازل کرده.

۴ - گیاهان و نباتات گوناگون و مختلفی که به وسیله این آب از زمین می‌روید که قسمتی از آنها مواد غذائی انسان را تشکیل می‌دهند و بخشی مواد داروئی قسمتی را انسان برای ساختن لباس مورد استفاده قرار می‌دهد و قسمت دیگری را برای وسائل زندگی (همچون درها و حتی خانه‌هائی که از چوب ساخته می‌شود و کشتیها و بسیاری از وسائل نقلیه دیگر).

